

Associations and political-religious organizations of Qazvin city during the Islamic revolution

Masoud adinevand ¹

Abstract

The Islamic movement of Iran was one of the biggest social revolutions of the 20th century under the leadership of Ayatollah Khomeini. In the course of this ideological and religious movement, the clergy and other active sections of the society, including the marketers and the educated class, played a prominent role in advancing the struggles and implementing the messages of the revolution. The city of Qazvin was considered one of the centers that had a lot of religious color and famous fighters were active there against the Pahlavi regime, therefore, various associations were established and active in this city in the last two decades of this regime. They paid. The purpose of this article is to introduce these institutions, how they are formed and where meetings are held, and their performance during the years of the Islamic Movement. This article tries to answer the question that what were the causes and process of the formation of political-religious circles in the city of Qazvin during the years of the Islamic movement and what actions did they take in the last two decades of Pahlavi rule? It is assumed that following the strictness of the Pahlavi government on the opponents, in various cities including Qazvin, religious delegations and delegations will perform cultural functions by stepping on the path of revolution and introduce the young generation to the aspects of education. Religious groups supported the Islamic movement and attracted many people to the Jirga against the Pahlavi regime.

Keywords: Islamic movement, Qazvin, religious groups, religious activities, Imam Khomeini

1. Assistant Professor of Social Sciences, Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Iran

انجمن‌ها و تشکل‌های سیاسی - مذهبی شهر قزوین در جریان انقلاب اسلامی

مسعود آدینه‌وند

دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی، پژوهشگر و کارشناس سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

masoud.adineh66@yahoo.com

چکیده: نهضت اسلامی ایران به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین انقلاب‌های اجتماعی قرن بیستم به رهبری آیت‌الله خمینی به پیروزی رسید. در جریان این نهضت ایدئولوژیک و دینی، روحانیت و دیگر اقشار کنشگر جامعه همچون بازاریان و قشر تحصیل کرده در نقاط مختلف کشور نقش پررنگی در پیش‌راندن مبارزات و اجرای پیام‌های انقلابی داشتند. شهر قزوین یکی از مراکزی به‌شمار می‌رفت که هم دارای صبغه مذهبی فراوان بود و هم مبارزان سرشناسی در آنجا به‌فعالیت بر ضد حاکمیت پهلوی اشتغال داشتند، لذا انجمن‌های مختلفی در دو دهه پایانی این رژیم در این شهر تأسیس و به‌فعالیت پرداختند. هدف این مقاله، معرفی این نهادها، نحوه شکل‌گیری و محل برگزاری جلسات و نوع عملکرد آنها در سال‌های نهضت اسلامی است. این نوشتار با روش اسنادی و کتابخانه‌ای و مصاحبه درصدد پاسخ به این سؤال است که علل و روند تشکیل محافل سیاسی - مذهبی شهر قزوین در سال‌های نهضت اسلامی چه بود و در دو دهه پایانی حکومت پهلوی چه اقداماتی کردند؟ فرض بر آن است که در پی سختگیری‌های حکومت پهلوی بر مخالفان، در شهرهای مختلف از جمله قزوین انجمن‌ها و هیأت‌های مذهبی با گام نهادن در مسیر انقلاب، انجام کارکردهای فرهنگی و آشنا کردن نسل جوان با جنبه‌هایی از آموزه‌های مذهبی به‌حمایت از نهضت اسلامی و جذب بسیاری از مردم به‌جراگه مخالفان با رژیم پهلوی یاری رساندند.

کلیدواژه‌ها: نهضت اسلامی، قزوین، هیأت‌های مذهبی، فعالیت‌های دینی، امام

خمینی.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های نهضت اسلامی، فراگیری آن در سطح کشور بود. یکی از کانون‌ها و مراکز انقلابی، شهر قزوین به شمار می‌رفت که نقش بسزایی در نهضت اسلامی ایفا کرد و میزان مصیبت و خرابی در آن زیاد بود. مصداق این مدعا، علاوه بر وجود روحانیت سرشناس و ابلاغ و اجرای فتواها و پیام‌های زعیم انقلاب و اعلامیه‌های دیگر، شکل‌گیری و عملکرد انجمن‌ها و محافل انقلابی و برگزاری جلسات مختلف در منازل شخصی و اماکن مذهبی و غیره است آن هم در شرایطی که فعالیت آنها در نظارت مأموران ساواک، نیروهای انتظامی و امنیتی رژیم پهلوی بود. تعدادی از مبارزان و رهبران سیاسی - مذهبی این شهر که در ابتدای دهه ۴۰ و آغاز نهضت امام خمینی به حمایت از او پرداخته بودند، در مراحل مختلف نهضت اسلامی پیام‌رسان رهبر انقلاب به مردم بودند. در دو دهه ۴۰ و ۵۰ با تشکیل هیأت‌ها و انجمن‌های سیاسی - مذهبی و انقلابی در قزوین، جمع زیادی از مردم این شهر را با ماهیت رژیم پهلوی و نهضت اسلامی آشنا کرد. بدون شک بخش مهمی از فراگیر شدن مبارزات و زنده نگه داشتن یاد و خاطره رهبر و پیام انقلاب اسلامی در این شهر، نتیجه فعالیت همین انجمن‌ها و تشکل‌ها بود؛ تشکل‌هایی مانند هیأت متوسلین به طفلان مسلم یا جوانان متوسل به طفلان مسلم، جلسات انتقاد، هیأت فیض بخش جوانان حسینی قزوین، کانون ناشرین حق، مجمع ادبی/علمی و اسلامی جوانان قزوین که بیشتر مردان در آن حضور داشتند و هیأت/انجمن دوشیزگان حضرت زینب(س)، هیأت/انجمن بنی فاطمه که عمدتاً با حضور زنان و دوشیزگان فعالیت می‌کرد. در جلسات این انجمن‌ها به موضوعات مهم فرهنگی، سیاسی، مذهبی و اجتماعی و ارتباط آن با نهضت اسلامی پرداخته می‌شد و با انتقاد از وضعیت عمومی جامعه و کشور، به چالش‌هایی که برای رژیم پهلوی ایجاد شده بود، دامن می‌زدند. با توجه به نقش پررنگی که این تشکل‌ها و انجمن‌های مردمی و خودجوش در روند مبارزه و دفاع از حرکت انقلابی امام خمینی و فراگیر شدن مبارزات مردمی داشتند، توجه به شکل‌گیری و عملکرد انجمن‌های مذکور، امری ضروری به نظر می‌رسد. گوشه‌ای از تلاش‌ها و داستان سختی‌ها و فشارهایی که طرفداران نهضت اسلامی تحمل می‌کردند، با اطلاع از روند تأسیس، هیأت مؤسسين، اقدامات و فعالیت‌های انجام شده، محل برگزاری و ماهیت جلسات این گروه‌ها و انجمن‌ها مشخص می‌شود.

پیشینه تحقیق

درباره تاریخ تحولات انقلاب اسلامی در شهر قزوین تاکنون آثار زیادی ارائه شده است؛ از جمله روزشمار انقلاب اسلامی قزوین به کوشش علی شیرخانی و اسناد انقلاب اسلامی استان قزوین به همت مرکز اسناد ریاست جمهوری. این دو کتاب در واقع بازنویسی اسناد ساواک و شهربانی در ارتباط با تحولات انقلاب اسلامی در شهر قزوین است و فاقد دسته‌بندی مطالب و تحلیل محتوای اسناد است و به صورت پراکنده گزارش‌هایی از این جلسات و ماهیت این انجمن‌ها به دست داده است. کتاب مساجد قزوین به روایت اسناد ساواک، اسناد آیت‌الله هادی باریک‌بین، زندگینامه قدرت‌الله چگینی از دیگر منابعی است که بر پایه اسناد ساواک گردآوری شده‌اند. سلوکی در پروا: گذری بر حیات سیاسی و اجتماعی آیت‌الله حاج شیخ هادی باریک‌بین عنوان کتابی است که به تازگی به قلم مسعود آتشگران تدوین شده است. در این منابع، به صورت گذرا و پراکنده به برخی از انجمن‌ها و نوع فعالیت آنها در سال‌های نهضت اسلامی اشاره شده است. با این حال، موضوع انجمن‌های سیاسی و مذهبی شهر قزوین و نقش و عملکرد آنها در مبارزات انقلابی و حمایت از نهضت روحانیت در پژوهش مستقلی بررسی نشده است. مقاله حاضر در زمینه شناخت و معرفی انجمن‌ها و هیأت‌های طرفدار نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی پژوهش مستقلی است که بر اساس اسناد، خاطرات و مصاحبه با برخی کنشگران انقلاب اسلامی شهر قزوین نوشته شده است.

هیأت متوسلین به طفلان مسلم یا جوانان متوسل به طفلان مسلم

نحوه تأسیس و گرداندگان

نخستین انجمن و تشکل سیاسی - مذهبی که در جریان مبارزات نهضت اسلامی در شهر قزوین به وجود آمد و فعالیت‌های منظم و متعددی در آموزش آیین اسلام و مبارزه در این مکتب انجام داد، تشکل موسوم به هیأت متوسلین به طفلان مسلم یا جوانان متوسل به طفلان مسلم بود. با تبعید امام خمینی، طرفداران او به روش‌های مختلف همچون برپایی جلسات و محافل سیاسی - مذهبی به‌رغم تلاش حکومت برای فراموشی نام و یاد او، به دفاع از مواضع ایشان پرداختند. این تشکل از اولین انجمن‌های طرفدار نهضت اسلامی در شهر قزوین به شمار می‌رفت که جلسات آن به صورت هفتگی و سیار در مساجد و

خانه‌های مبارزان برگزار می‌شد. طبق گزارش رئیس ساواک قزوین در سال ۱۳۴۴ هیأت متوسلین به طفلان مسلم به سرپرستی دو نفر به اسامی محمود میزبان و رضا یزدان‌پناه ناظم دبستان رزبان قزوین تشکیل شد. این هیأت به‌طور هفتگی و سیار جلسات خود را منعقد و به نشر احکام مذهبی می‌پرداخت (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۹۳، ج ۱، ص. ۴۴۸). بدین ترتیب، مؤسسان این هیأت محمود میزبان روحانی و رضا یزدان‌پناه معلم و مفسر قرآن بودند و همکاری این دو مؤسس روحانی و فرهنگی به‌خوبی نشان‌دهنده تعامل و ارتباط نزدیک بین مبارزان مسجد و مدرسه است و تشکل مذکور، ترکیبی از ائتلاف و تعامل بین این دو قشر به شمار می‌رفت.

رضا یزدان‌پناه به‌تنهایی همه کارها را انجام می‌داد و مدیریت جلسات را بر عهده داشت و خودش را واقعاً وقف کرده بود و شاید هفته‌ای یک‌شب هم در خانه نبود (باروتی، ۱۳۹۲، ص. ۵۰). مردم از لحاظ مذهبی و پایبندی به اصول و مسائل اعتقادی خیلی قبولش داشتند. یزدان‌پناه فردی متدین و مذهبی بود که حتی در مراسم عروسی شرکت نمی‌کرد. به همین مناسبت وقتی از ایشان برای جشن عروسی پسرم دعوت کردم، عذرخواهی کرد و گفت کادو هم تقدیم می‌کند؛ اما به مراسم نمی‌آید؛ یعنی بسیار آدم معتقد و پایبندی بودند (توکلی، مصاحبه شخصی، جمعه ۱۲ مهر ۱۳۹۸).

محل برگزاری جلسات و ماهیت شرکت‌کنندگان

با توجه به انسداد فضای سیاسی و نظارت شدید دستگاه‌ها و نهادهای اطلاعاتی - انتظامی بر فعالیت مراکز و نیروهای مخالف رژیم در سال‌های آغازین نهضت اسلامی در شهر قزوین، هیأت متوسلین به طفلان مسلم در ابتدا جلسات خود را به‌صورت غیرمستقیم و به دور از چشم مأموران رژیم برگزاری می‌کرد. جلسات این هیأت به‌صورت سیار و هفته‌ای یک‌بار در منازل و مساجد تشکیل می‌شد (آقا علیخانی، ۱۳۹۱، ص. ۱۱۱). طبق اظهارات حاج محمد توکلی از اعضای این هیأت، جلسات سیاسی و مذهبی هیأت متوسلین به طفلان مسلم شب‌های سه‌شنبه در خیابان تهران قدیم تشکیل می‌شد (توکلی، مصاحبه شخصی، جمعه ۱۲ مهر ۱۳۹۸). بدین ترتیب، محل برگزاری جلسات این هیأت، مساجد و منزل برخی از کنشگران و هواداران امام خمینی بود.

با تأسیس این هیأت و آغاز به کار آن، افرادی از قشرهای مختلف مردم قزوین در

جلسات آن شرکت کردند. علاوه بر روحانیون، بسیاری از محصلان هم در این هیأت عضویت داشتند. زیر نظر حاج رضا یزدان‌پناه افرادی در سنین راهنمایی و دبیرستان قرار داشتند که در جلسات هیأت به صورت فعال شرکت می‌کردند (رشوند، ۱۳۸۹، ص. ۵۹). با توجه به اهداف این هیأت و گردانندگان آن، طیف مختلفی از افراد در جلسات این هیأت شرکت می‌کردند. هدف اولیه آنها از شرکت در این هیأت، ابراز مخالفت با حکومت و دفاع از مواضع روحانیت و در رأس آنها امام خمینی بود. علاوه بر دانش‌آموزان، افرادی با سطح تحصیلات بالاتر هم به این جلسات می‌رفتند؛ از جمله مهدی یخچالیان و افرادی که بعداً از مسیر انقلاب منحرف شدند. جوانان و نوجوانان زیادی هم در این جلسات حضور پیدا می‌کردند. محمدحسین خاکساران از جمله سخنرانان این جلسات بود که درس تفسیر قرآن را ارائه می‌دادند (توکلی، ۱۳۹۸).

فعالیت‌های هیأت متوسلین به طفلان مسلم

هدف مؤسسان از تشکیل این انجمن، توجه به فعالیت‌های فرهنگی و ترویج تعالیم اسلامی و هدایت و تربیت نسل جدیدی از جوانان مؤمن و معتقد و جذب آنها به مسیر نهضت اسلامی بود. این هیأت در جلسات هفتگی خود به نشر احکام اسلامی و مذهبی و لزوم توجه به معارف اصیل اسلامی می‌پرداخت و گردانندگان آن بر برگزاری مراسم مذهبی و فرهنگی تأکید فراوانی داشتند (پورزرشکی، مصاحبه شخصی، پنجشنبه ۱۶ مرداد ۱۳۹۹). به گفته محمد یوسف باروتی از اعضای این هیأت، رضا یزدان‌پناه در جلسات افراد جدیدالورود را خوب مورد استقبال قرار می‌داد. این هیأت روزهای جمعه، مراسم دعای ندبه را در منزل آقای اسدالله ربانی در کوچه زعفرانیه برگزار می‌کرد. بعد از ظهر هم دعای سمات خوانده می‌شد. این هیأت در شب‌های ماه مبارک رمضان، بعد از افطار در منزل یکی از اعضا و شرکت‌کنندگان مراسم دعا و مناجات و روضه‌خوانی دایر بود. این هیأت یکسری جلسات ثابت داشت و یک سری سیار که به تناوب در منازل افراد برگزار می‌شد تا ساواک نتواند مانع از برگزاری جلسات شود. هیأت متوسلین مراسم دعای کمیل را در مسجد سوخته چنار در خیابان نادری برگزار می‌کرد (باروتی، ۱۳۹۲، صص. ۴۸-۵۰).

بخش دیگری از فعالیت‌های این هیأت، قرائت و تفسیر قرآن و تدریس اخلاق بود.

خود یزدان پناه درس اخلاق و درس‌هایی که مربوط به زندگی و شیوه رفتاری و مطالب کتاب‌های *معراج السعادة* و *نصایح* را توضیح می‌داد. برنامه سفر و انجام اردوهای زیارتی برای شرکت‌کنندگان از دیگر کارهایی بود که یزدان پناه انجام می‌داد. او معمولاً تابستان اعضای هیأت را به سفر مشهد می‌برد. در مدت اقامت در آنجا هم به‌منظور کاهش هزینه‌ها، از خیرین و هیأت‌های مذهبی مکان استراحت می‌گرفتند و معمولاً بعد از دو هفته با قطار به قزوین برمی‌گشتند (باروتی، ۱۳۹۲، ص. ۵۰).

دیگر ستون اصلی نگهدارنده این هیأت و گرداننده جلسات، محمود میزبان بود که کتاب *ولایت فقیه* امام خمینی که آن زمان به حکومت اسلامی شهرت داشت را به اعضای این هیأت آموزش می‌داد و معنا و مفهوم حکومت اسلامی و روش تشکیل آن را تشریح می‌کرد (رشوند، ۱۳۸۹، ص. ۵۹). این هیأت در اواخر دهه ۴۰ و سال‌های نخست دهه ۵۰ به شیوه‌های مختلف کار مبارزه و تبلیغات برای نهضت اسلامی را ادامه داد. به گزارش ساواک:

جلسه هیأت متوسلین به طفلان مسلم در منزل شخصی به نام ارجمندی واقع در خیابان عید زاکانی بازارچه عید زاکان سمت راست کوچه دوم تشکیل شد و افراد حاضر در جلسه بیشتر محصلین دبستانی و عده‌ای معمم و بازاری بودند. در این جلسه شخصی به نام حاج یوسف شیرازی ضمن یک مذاکره خصوصی اظهار داشت که او قبلاً رئیس هیأت بوده و بعداً این سمت را به یزدان پناه محول کرده است (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۹۵، ص. ۱۴۱).

در نتیجه به مأموران ساواک دستور داده شد از ماهیت جلسات، گردانندگان، نحوه افکار و موضوع جلسات این هیأت، شرکت‌کنندگان و محل برگزاری جلسات اطلاعات کسب نمایند. علاوه بر دانش‌آموزان، بازاریان هم با این هیأت همکاری می‌کردند. این هیأت از علما و وعاظ غیربومی هم برای سخنرانی در شهر قزوین دعوت می‌کرد؛ مثلاً خزعلی، هاشمی رفسنجانی، مطهری و سید محمد موسوی خوئینی‌ها و غیره که سخنانشان برای اعضای حاضر در جلسه جذابیت خاصی داشت. رضا یزدان پناه در حضور این افراد هم در جلسات هیأت برای اعضا سخنرانی می‌کرد. در نتیجه ساواک فعالیت‌های این هیأت را زیر نظر گرفت و برخی از اعضای آن را به خاطر طرح مسائل انتقادی و دفاع

علنی از نهضت روحانیت به رهبری امام خمینی دستگیر کرد (باروتی، ۱۳۹۲، ص. ۵۴). دیگر گرداننده این هیأت محمود میزبان طلبه علوم دینی بود. میزبان که در شهر مقدس قم درس طلبگی می‌خواند، به قزوین می‌آمد و کارهای عقیدتی و گزینش جوانانی که می‌خواستند با هیأت مذکور همکاری و در جلسات شرکت نمایند را بر عهده می‌گرفت. او نیز برای اعضا درباره ماهیت و لزوم تشکیل حکومت اسلامی، مسئله ولایت فقیه و اهداف امام خمینی از تقابل با رژیم پهلوی بحث می‌کرد (باروتی، ۱۳۹۲، ص. ۵۱).

در کنار جلسات مذهبی و فرهنگی، فعالیت سیاسی و مبارزاتی نیز در دستور کار هیأت مذکور بود و گردانندگان آن، برخی از شرکت‌کنندگان را برای کار مبارزه آماده و تربیت می‌کردند. اعضای هیأت متوسلین از نظر روحی، جسمی و اعتقادی آموزش داده می‌شدند. نماز شب، ورزش روزانه، کوهنوردی، سخنرانی، کتاب خواندن، انجام واجبات و مستحبات از جمله این دوره‌ها بود. برای اعضای هیأت، فرم‌هایی تهیه شده بود که گزارش عملکرد هفتگی هر یک از آنها باید در آن ثبت می‌شد و در پایان هفته، مسئول آموزش به بررسی این فرم‌ها می‌پرداخت. میزبان برای اعضای هیأت درس اخلاق می‌گفت. اعضا همین‌طور مراسم کتاب‌خوانی و تمرین سخنرانی می‌کردند و روی فن بیان آنها کار می‌شد و با ضبط صدا، در این زمینه از ایرادات خود مطلع می‌شدند. برخی از آنها با پای برهنه به کوه می‌رفتند و انواع سختی‌ها را به خود می‌دادند. اعلامیه‌هایی هم که از نجف به شهر قزوین می‌آمد و بررسی محتوای آنها در جلسات هیأت مطرح می‌شد (باروتی، ۱۳۹۲، صص. ۵۱ و ۵۴). هیأت طفلان مسلم ترکیبی از عقاید سیاسی - مذهبی انقلابی با گرایش به مشی مسلحانه بود و آمادگی بدنی اعضا و انجام کارهای سخت نشان می‌دهد که آنها خود را برای هر نوع واکنشی از سوی رژیم آماده کرده بودند.

در همین جلسات اخبار گروه‌های طرفدار مشی مسلحانه و فعالیت مجاهدین و چریک‌ها به اطلاع می‌رسید. متن اعلامیه‌های آنها مطرح می‌شد و به معرفی اعضا و رهبران سازمان مجاهدین می‌پرداخت. با این حال، اختلاف نظر بین رهبران و گردانندگان هیأت، باعث شد برخی اعضا برای همیشه از فعالیت‌های انقلابی صرف نظر کنند. حاج حسین پورزرشکی که با این هیأت در ارتباط بوده و رهبران آن را از نزدیک می‌شناخته، درباره اختلاف درونی هیأت متوسلین می‌گوید:

روزی پیش آقای یزدان پناه در محل کارش در مدرسه رزبان رفتیم. این زمان رابطه او با محمود میزبان به خاطر نوع و روش مبارزه، به هم خورده بود. او بعد از اختلاف با میزبان، از اینکه میزبان تعدادی از اعضای هیأت متوسلین را به عنوان مبارزه و انقلابی راستین کنار گذاشته است، اظهار ناراحتی کرد و می گفت که من نگرانم به خاطر این اختلافات، جلسات هیأت به طور کامل تعطیل شود و این اتفاق هم افتاد؛ زیرا در سال ۱۳۵۲ بسیاری از اعضا جلسه بحث و انتقاد از جمله محمود میزبان به وسیله کمیته مشترک ضدخرابکاری دستگیر و یزدان پناه یک سال بعد به جرم رهبری و مدیریت جلسات مذکور، انتقاد از وضع موجود، حمایت از امام خمینی، مسموم کردن افکار خردسالان و انحراف فکری آنها به سواه تبعید و با تبعید او هیأت دو طفلان تعطیل شد (پورزرشکی، مصاحبه شخصی، پنجشنبه ۱۶ مرداد ۱۳۹۹).

به این ترتیب، مسیر این دو شخصیت مبارز از هم جدا شد و در بدنه هیأت دو طفلان مسلم، انشعابی صورت گرفت و جلسات موسوم به «انتقاد» تشکیل شد.

هیأت انتقاد (جلسات انتقاد)

تأسیس و محل برگزاری جلسات

استقبال مردم و افزایش تعداد طرفداران نهضت اسلامی در شهر قزوین که با تأثیرپذیری از تعالیم اسلامی به طرح مسائل سیاسی و اجتماعی و نقد تحولات و سیاست فرهنگی رژیم می پرداختند، بستری فراهم کرد تا کنش انقلابی و تلاش برای تداوم نهضت امام خمینی با شدت بیشتری انجام شود. فعالیت مبارزین شهر قزوین و فراهم شدن زمینه برای طرح مسائل سیاسی و مذهبی در هیأت متوسلین، بستری فراهم کرد که با الگوپذیری از آن، انجمن های دیگری در این شهر تأسیس شود. از جمله این تشکل ها، برپایی جلسات موسوم به انتقاد بود. این تشکل در واقع از بدنه هیأت متوسلین به وجود آمد و چنانکه در گزارش ساواک قزوین آمده است، چون در جلسات هیأت متوسلین امکان طرح برخی از مسائل انتقادی به مصلحت نبود، در نتیجه میزبان و یزدان پناه در صدد تشکیل جلسه دیگری که دارای نام انتقاد است، برآمده و از سال ۱۳۴۹ جلسه هفتگی موردنظر از ساعت ۱۴ الی ۱۷ در منزل رضا یزدان پناه در قزوین، خیابان تهران قدیم کوچه

شماره ۱۴ تشکیل و اعضای شرکت کننده موظف بودند با نوشتن مقاله، درباره اوضاع داخلی مملکت به بحث و گفتگو پردازند. البته در خلال آن نیز رساله‌ها و جزوه‌های آیت‌الله خمینی و بعضی از کتب دیگر بین افراد، توزیع و به کار بستن عقاید ایشان به آنها سفارش می‌شد (آرشیو اسناد حوزه هنری استان قزوین، ۱۳۵۰/۱۱/۲۶، ش. س ۱-۹۲۰۰۴).

درباره نام این هیأت باید گفت گردانندگان آن اسم خاصی انتخاب نکرده بودند و در گزارش‌های ساواک به صورت هیأت انتقاد آمده است. در دیدگاه مأموران رژیم چون برخی مسائل سیاسی و اجتماعی کشور در جلسات این هیأت، مطرح و نقد می‌شد، این عنوان را روی این جلسات گذاشتند (باروتی، ۱۳۹۲، ص. ۵۴). در نتیجه شدت سختگیری رژیم بر مخالفان و نظارت پلیسی بر جلسات سیاسی و مذهبی، جلسات هیأت انتقاد در منزل رهبران و مؤسسان آن برگزار می‌شد؛ ابتدا در منزل یزدان پناه و سپس در خانه علی‌تاب و محمود وحدانی در کوچه عبید زاکانی، محمود میزبان در خیابان پیغمبریه، کوچه پنجعلی، حسین ابراهیمی در خیابان سعدی، محمد یوسف باروتی در کوی شیخ‌آباد و دیگران (باروتی، ۱۳۹۲، ص. ۵۵).

گردانندگان هیأت

گردانندگان این هیأت، افرادی بودند که هیأت متوسلین را به وجود آوردند و با تعطیلی آن، با احتیاط بیشتر و با گزینش اعضا به فعالیت پرداختند. طبق اظهارات باروتی از مؤسسان این هیأت، دو نوع جلسه وجود داشت؛ یکی طفلان مسلم که به صورت عمومی برگزار می‌شد و دیگر جلساتی که جنبه خصوصی داشت (باروتی، ۱۳۹۲، ص. ۵۴). هزینه‌های برپایی این جلسات را اعضا به صورت داوطلبانه تأمین می‌کردند. گزارش دی ۶ ۱۳۵۰ ساواک حاکی از آن است که در این جلسات تصاویر و پیام‌های آیت‌الله خمینی از سوی گردانندگان مجلس همچون آقای تقی باروتی و وثوقیان، توزیع می‌شد (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت، ۱۳۹۳، ج ۱، ص. ۴۰۲).

موضوع جلسات هیأت انتقاد

همچنان که از اسم این هیأت برمی‌آید، موضوع کلی جلسات و مباحث آن، انتقاد از ساختار حاکمیت پهلوی بود. در این جلسات علاوه بر طرح مسائل سیاسی، به تحلیل

آثار و اندیشه‌های رهبر نهضت و توزیع آن در بین اعضا نیز پرداخته می‌شد. به گزارش ساواک، محمود یزدان پناه دربارهٔ مسائل مذهبی برای حاضرین سخن می‌گفت. بحث دربارهٔ آمار بیکاری و تعداد گرسنگان و سرمایه‌گذاری خارجیان در معادن کشور، انتقاد از برگزاری جشن‌های سلطنتی، رفتار و آداب معاشرت غیر اسلامی محمدرضا شاه و اعضای خانواده او، فساد سیستماتیک و گسترده در کشور و نفوذ استعمارگران امپریالیست در ایران از دیگر مسائلی بود که در جلسات این هیأت مطرح و مورد مذاکره قرار می‌گرفت (آرشیو اسناد مرکز حوزهٔ هنری استان قزوین، ۱۳۵۰/۹/۱۵، ش. گ. ۲۳/۳۶۵۰). سخنرانان از اعضای شرکت‌کننده می‌خواستند که با انتقاد از حکومت پهلوی، ماهیت آن را برای سایر اقشار مردم توضیح دهند. در مقایسه با جلسات هیأت طفلان مسلم، در هیأت انتقاد به‌طور علنی محمدرضا شاه، خائن به مملکت معرفی می‌شد (شیرخانی، ۱۳۸۸، ص. ۱۰۷).

در این جلسات، بر لزوم آگاه کردن مردم از اوضاع داخلی مملکت، انتقاد علنی از رژیم پهلوی و عضوگیری و افزایش تعداد اعضا تأکید می‌شد. اعضای جلسه ضمن مطالعهٔ کتاب‌های مختلف و به‌ویژه کتاب‌ها و اعلامیه‌های انقلابی، موظف به نوشتن مقالات مختلف دربارهٔ جریان‌های مملکتی بودند (پورزرشکی، مصاحبه شخصی، پنجشنبه ۱۶ مرداد ۱۳۹۹). علاوه بر نقد استبداد، در برخی از جلسات این انجمن به نقد استعمار و غارت ملل مستعمره نیز پرداخته می‌شد و سیاست‌های رژیم دربارهٔ جشن‌ها را به باد انتقاد گرفت (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۹۳، ج ۱، صص. ۳۸۴ و ۴۱۸).

در هر جلسه، چند تن از دانش‌آموزان و تحصیل‌کرده‌ها در تشریح اوضاع و جایگاه مبارزات و ماهیت نهضت اسلامی سخنرانی می‌کردند؛ و برخی از نشریات و اعلامیه‌های انقلابی که از تهران و قم به‌صورت مخفیانه به قزوین می‌رسید در این جلسات ردوبدل می‌شد؛ اما طرح مسائل تند انتقادی در این جلسات به‌وسیلهٔ محمود میزبان باعث شد که هیأت از ویژگی و شکل اولیه خود، یعنی برپایی جلسات مذهبی، فاصله بگیرد و بر سر مشی مبارزه و طرح مسائل در جلسات، بین رهبران اختلاف افتاد. محمود میزبان هم پس از مدتی به علت تندروی‌هایی که داشت از مرحوم یزدان پناه جدا شد و در سال ۱۳۵۲ بسیاری از اعضای جلسه و خود میزبان به‌وسیلهٔ کمیته مشترک ضدخرابکاری دستگیر و یزدان پناه هم به ساوه تبعید شد (پورزرشکی، مصاحبه شخصی، پنجشنبه ۱۶ مرداد ۱۳۹۹).

میزبان با آزادی از زندان در سال ۱۳۵۴ کار مبارزه را کنار گذاشت و با خرید یک کامیون، مسیر زندگی‌اش را تغییر داد و نهایتاً در سال ۱۳۵۹ در یک تصادف رانندگی در زنجان از دنیا رفت و همان‌جا نیز دفن گردید (باروتی، ۱۳۹۲، ص. ۵۷).

این اتفاق و اختلاف بین رهبران و گردانندگان هیأت، در کاهش تعداد اعضا و از بین رفتن اتحاد درونی مبارزان و از طرفی کنترل راحت‌تر ساواک نقش عمده‌ای داشت و اختلاف دیدگاه‌ها بین رهبران فکری جلسات کار هیأت را با دشواری‌ها و موانعی مواجه کرده بود. بسیاری از اینان یا زندانی شدند، یا با دیگر گروه‌ها و محافل به همکاری پرداختند و یا به کارهایی غیر از مبارزه روی آوردند. در نتیجه با رفتن یزدان پناه، اعضای هیأت پراکنده شدند و به گروه‌های دیگر پیوستند.

هیأت فیض‌بخش جوانان حسینی قزوین

تأسیس هیأت و مؤسسان

از دیگر محافل و انجمن‌های طرفدار نهضت اسلامی در شهر قزوین، تشکیلات موسوم به هیأت فیض‌بخش جوانان حسینی قزوین بود که در سال ۱۳۴۹ به وجود آمد و در کنار دیگر تشکلهای سیاسی - مذهبی به فعالیت و حمایت از نهضت اسلامی پرداخت. هیأت مؤسس آن جمعی ۷۰ نفره از مبارزین شهر قزوین همچون کاظم شکوهی، محمدحسین خاکساران و مهدی یخچالیان بودند. این کانون هم در دهه ۵۰ به تشریح اوضاع داخلی و نقد سیاست‌های رژیم به‌ویژه روابط خارجی، توزیع اعلامیه‌های انقلابی و حمایت از نهضت روحانیت به رهبری آیت‌الله خمینی می‌پرداخت.

جلسات هیأت مذکور ابتدا در منزل مبارزین تشکیل می‌شد و در سال‌های بعد به مساجد منتقل گردید. کاظم شکوهی در پخش اعلامیه‌های امام و تحریک مردم برای سخنرانی علیه رژیم صهیونیستی نقش مهمی داشت. محمدحسین خاکساران نیز با اقدامات فرهنگی و فراهم کردن زمینه سخنرانی شخصیت‌های مختلف مبارز در قزوین، فعالیت می‌کرد و مفسر هیأت بود. مهدی یخچالیان از دیگر افرادی بود که در مدیریت جلسات این هیأت به ایفای نقش پرداخت (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۹۳، ج ۱، صص ۳۲۰ و ۳۲۳).

فعالیت هیأت در پیشبرد انقلاب

انگیزه تأسیس این هیأت، سازمان‌دهی فعالیت‌های سیاسی و مذهبی بود. توزیع و تکثیر اعلامیه‌های امام در این کانون هم انجام می‌شد. برپایی جلسات این هیأت نظم و ترتیب زمانی مشخصی نداشت و در هر فرصتی که پیش می‌آمد، گردانندگان اقدام به این کار می‌کردند. در گزارشی از ساواک درباره این انجمن آمده است هدف از تشکیل انجمن تبلیغ دین، تعداد اعضا معمولاً ده نفر عضو ثابت و بقیه شرکت‌کننده هستند. با سایر جمعیت‌های سیاسی و مذهبی مانند هیأت قائم‌الانصار، انجمن ادبی و اسلامی جوانان ارتباط دارد. هزینه‌های جاری این هیأت، از طریق کمک‌های مالی اشخاص خیر و کسبه و بازاریان تأمین می‌شود. بیشترین نفوذ را در جوانان دارد و با برپایی جلسات سیار به تبلیغ دین می‌پردازد (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۹۵، ص. ۱۱۹).

این انجمن گرچه بیشتر در امور مذهبی و تفسیر قرآن فعالیت می‌کرد؛ اما برخی اعضای آن طرفدار برخورد فیزیکی و تنبیه بدنی طرفداران رژیم بودند. بعد از پایان جلسات تفسیر محمدحسین خاکساران، برخی از اعضای انجمن مانند کاظم شکوهی، مهدی یخچالیان، حسن حدادی، علی سلیمی و غیره گردهم آمده و برنامه‌ریزی می‌کردند که چه کسی را کتک بزنند (پورزرشکی، مصاحبه شخصی، پنجشنبه ۱۶ مرداد ۱۳۹۹). با توجه به همکاری برخی از اعضای این انجمن با سازمان مجاهدین خلق، بهتر است به وضعیت فعالیت آن در شهر قزوین نظری افکنده شود.

با تأسیس سازمان مجاهدین خلق که معتقد بودند شکستن فضای امنیتی و اثبات امکان انجام عملیات نظامی علیه رژیم، از شرایط لازم برای مبارزه است و مهم‌ترین تضاد جامعه را تضاد بین توده‌ها و امپریالیست‌ها می‌دانستند (کامروا، ۱۳۹۸، ص. ۱۰۸)، به تدریج فکر همکاری با آن، به وسیله برخی از جوانان مذهبی که در فضای خفقان و فساد آلود جامعه به دنبال محملی برای پر کردن خلأ ناشی از مبارزه با فساد بودند، شکل گرفت. از طرفی، سازمان مجاهدین خلق تا قبل از تغییر مواضع ایدئولوژیک، طوری وانمود می‌کرد که جوان‌ها فکر می‌کردند، سازمان و مشی مبارزاتی آنها مورد تأیید آیت‌الله خمینی است (جلالیان، ۱۳۸۹، ص. ۵۳).

در تاریخ فعالیت‌های مبارزاتی سازمان مجاهدین تا قبل از تغییر موضع و انحراف عقیده، بسیاری از افرادی که بعدها به گروهک‌های ضدانقلاب پیوستند، در تضاد با

رژیم پهلوی و دفاع از نهضت اسلامی، صادقانه مشغول فعالیت سیاسی بودند. برخی اعضای این انجمن که بعداً از مسیر انقلاب منحرف شدند، ابتدا در راستای نهضت اسلامی فعالیت می‌کردند. افرادی همچون مهدی یخچالیان و محمد جباری قبل از انحراف عقیده سازمان، از مبارزان خوب شهر قزوین بودند به نحوی که سفته صدتومانی و دوست تومانی را به بانک برده و نقد می‌کردند و با آن اعلامیه‌های انقلابی را به چاپ می‌رساندند تا در سطح شهر، بین مردم توزیع کنند (مشاتی‌ها، مصاحبه شخصی، جمعه ۲۹ شهریور ۱۳۹۸).

با پیدایش منافقین در اواسط دهه ۴۰ در شهر قزوین تعدادی از جوانان به آن متمایل شده و طبق دستور رهبران سازمان عمل می‌کردند. مجاهدین قزوین تا وقتی به جرگه مخالفان نهضت اسلامی نپیوسته بودند، با مدرسه سردارین به عنوان یکی از پایگاه‌های این مبارزین رفت و آمد داشتند. محمود، احمد و محمد جباری پسران حاج غلامحسین جباری از بازاریان معروف قزوین، مهدی یخچالیان، محمود میزبان و غیره از جمله این افراد بودند. شیخ نصرت‌الله انصاری^۱ دعای کمیل و ندبه را می‌خواند و خیلی از کسانی که بعداً به منافقین پیوستند، قبل از دستگیری در مراسم دعاخوانی شرکت داشتند. محمود میزبان، یخچالیان، باروتی، سلیمان نیزه‌دار، محمد جباری که افراد مذهبی بودند، قبل از رفتن به زندان به جلسات مذهبی می‌آمدند؛ اما بعد از موج اول دستگیری مجاهدین در سال پنجاه در زندان تغییر موضع دادند (موسوی، مصاحبه شخصی، سه‌شنبه ۷ مرداد ۱۳۹۹).

۱. شیخ نصرت‌الله انصاری در سال ۱۳۲۰ در قریه عصمت آباد بوئین‌زهر در خانواده‌ای مذهبی و متدین به دنیا آمد. پدرش حاجی علی اصغر انصاری فردی دین‌دار و جدش ملاحسین انصاری از علما و روحانیون آنجا محسوب می‌شد. خواندن و نوشتن را در همان روستا آموخت و سپس به مدارس دینی قزوین رفت و نزد تاکندی تلمذ کرد. شیخ نصرت چند سال بعد در ۱۳۳۸ برای ادامه تحصیل عازم شهر قم شد. در این زمان بروجردی در قید حیات بود و از محضر ایشان و منتظری و مشکینی نیز استفاده نمود. در جریان زلزله بوئین‌زهر در ابتدای دهه ۴۰ و آمدن هیأت آمریکایی و اسرائیلی برای ترمیم آنجا که به فعالیت‌های تبلیغاتی نیز مشغول بودند، ایستاد و برای تقویت روحیه دینی مردم و جوانان، به توسعه مدارس دینی و مدارس پرداخت به مدیریت مدرسه سردارین قزوین که یکی از مراکز حمایت از نهضت اسلامی شهر قزوین به شمار می‌رفت، انتخاب شد. شیخ نصرت با امام خمینی در عراق دیدار کرد و سال‌های زیادی در ادامه تحصیل پرداخت. ایشان در قم و قزوین به دفاع از نهضت روحانیت پرداخت و علناً برای رونق آن به فعالیت پرداخت و نهایتاً در سال ۱۳۵۴ در زندان کمیته مشترک تحت بازجویی و شکنجه‌های سخت قرار گرفت و به طرز مشکوکی از دنیا رفت (برای اطلاع از حیات و اقدامات او ر.ک. به: شریفی، ۱۳۹۵).

طبق اظهارات خاکساران، علی میهن دوست یکی از اعضای این سازمان در جلسات هفتگی هیأت شرکت و به طور مخفیانه از میان اعضا برای سازمان عضوگیری می کرد و با دستگیری او در سال پنجاه جلسات هفتگی از نظر حضور جوانان دانشجویی افت شدیدی پیدا کرد؛ زیرا جمع زیادی از جوانان که جذب سازمان شده بودند، متواری شده یا زندگی مخفی در خانه های تیمی را برگزیدند. با حساسیت ساواک و پیگیری اطلاعات شهربانی، از ادامه جلسات و فعالیت های فرهنگی این هیأت جلوگیری شد و کتابخانه مسجد ستوده را بستند (خاکساران، ۱۳۸۳، صص. ۲۷۰-۲۶۹).

برخی از جوانان شهر قزوین با رهبران مجاهدین در ارتباط بودند. برادران حاجی شفیعی ها از جمله این افراد بودند. حسن اصغر زاده اظهار کرد:

با محمد حاجی شفیعی ها که پس از کشته شدن برادرش مرتضی حاجی شفیعی ها^۱ در شیراز، چریک متواری شده و با مجاهدین همکاری می کرد، جلسات قرآن داشتم و از او اعلامیه انقلابی می گرفتم و پخش می کردم و اسلحه نیز باهم ردوبدل می کردم. محمد حنیف نژاد از بنیان سازمان مجاهدین که مهندس کشاورزی بود، دو سال در قزوین خدمت کرد. در خیابان خیام، کوچه نیساریان مستاجر بود و من به خانه همسایه او می رفتم و از آن طریق با هم ارتباط برقرار کرده بودیم (اصغرزاده، ۱۳۸۹، ص. ۶۳).

بدین ترتیب، هیأت فیض بخش جوانان به نقد سیاست های رژیم در حمایت از بهائیان و یهودیان، برگزاری جلسات مذهبی و مراسم دعا و تفسیر، توزیع اعلامیه های انقلابی، تعریف و تمجید از آیت الله خمینی، نقد قوانین کشور می پرداخت (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۹۳، ج ۱، صص. ۳۲۹-۳۲۸ و ۳۴۸).

۱. مرتضی حاجی شفیعی ها، بیست و دوم بهمن ۱۳۲۶، در شهر قزوین دیده به جهان گشود. پدرش جعفر، خواربارفروش بود و مادرش منصوره نام داشت. دانشجوی دوره کارشناسی در رشته زبان انگلیسی بود. ششم دی ۱۳۵۵، در دانشگاه شیراز به وسیله عوامل رژیم شاهنشاهی بر اثر انفجار مواد منفجره به شهادت رسید. پیکر وی را در زادگاهش به خاک سپردند (پایگاه خبری-تحلیلی معبر نور <http://mabarenoor.ir/memoirs/117>).

دعوت از وعاظ سایر شهرها

هیأت فیض‌بخش جوانان حسینی از وعاظ و روحانیون دیگر شهرها دعوت می‌کردند تا در جلسات این هیأت به سخنرانی بپردازند. افرادی مانند شیخ احمد فاکری، عبدالمجید معادیخواه، شیخ مهدی ربانی، عبدالرسول حجازی و غیره (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۹۵، صص. ۱۱۴-۱۱۰؛ ۱۳۹۳، ج ۱، صص. ۳۸۸، ۴۰۴ و ۴۱۲). از این رو، ساواک در صدد بود از ورود این افراد به قزوین جلوگیری نماید. به گزارش ساواک:

در ۱۳۴۹/۱۱/۲۲ جلسه هیأت فوق از ساعت ۲۰ در منزل حاجی نصراله مافی واقع در سبزه‌میدان قزوین با شرکت تعدادی در حدود ۱۰۰ نفر با سرپرستی مهدی یخچالیان، محمدحسین خاکساران و کاظم شکوهی تشکیل شد. ابتدا آیاتی از کلام‌الله مجید تلاوت شد و در پایان درباره این آیات، خاکساران تفسیر کرد و پس از متفرق شدن افراد، مهدی یخچالیان در حضور چهار نفر در حالی که بسیار ناراحت بود، بیان داشت ما برای دعوت آقای خزعلی اقدام کردیم؛ ولی سازمان امنیت از این کار جلوگیری کرد. خاکساران در جواب گفت سازمان امنیت از هزاران نوع فحشا جلوگیری نمی‌کند؛ ولی از تشکیل محفل دینی و علمی ممانعت به عمل می‌آورد و بهایی‌ها آزادند و ما آزاد نیستیم و دولت چندی پیش آنها را به رسمیت شناخت (آرشیو اسناد حوزه هنری استان قزوین، ۱۳۴۹/۱۲/۲ ش. س ۱۰۱۶).

هدف از برپایی این جلسات، اصلاح دین در جامعه از طریق قرائت قرآن و سخنرانی و تفسیر بود. به‌هرحال در جلسات این انجمن، ضمن تعریف و تمجید از علما و به‌ویژه شخص آیت‌الله خمینی (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۹۳، ج ۱، ص. ۳۲۹)، نقد سیاست‌های رژیم و قانون‌شکنی رژیم و عدم انطباق آن با قوانین اسلام، نقد سپاه دانش و الزام دختران به خدمت نظام، نقد استعمار و بدبینی نسبت به ارتباط حکومت با رژیم اشغالگر قدس و بهاییان از دیگر مباحثی بود که در جلسات این انجمن مطرح می‌شد (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۹۳، ج ۱، صص ۳۲۶ و ۳۴۸؛ ۱۳۹۵، صص. ۳۲۹، ۳۴۵ و ۳۴۸).

کانون ناشرین حق

تأسیس کانون و گردانندگان

کانون ناشرین حق به‌عنوان یکی دیگر از انجمن‌ها و تشکل‌های مذهبی در شهر قزوین، در سال ۱۳۴۸ به‌وسیله محمدابراهیم باریک‌بین، سید علی جزمه‌ای و سید محمود تقوی تأسیس شد. طبق گزارش ساواک قزوین از ابتدای این سال حدود ۲۰ نفر از جوانانی که سن آنان بین ۱۴ الی ۱۷ سال است، گرد یکدیگر جمع شده و به تفسیر قرآن و دیگر مسائل مذهبی پرداختند. مدیریت جلسات این کانون را آقایان محمدابراهیم باریک‌بین و سید علی جزمه‌ای و قدرت‌الله چگینی^۱ به عهده داشتند و برای اعضا، کارت عضویت صادر می‌کردند (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۹۶، ص. ۲۹). این کانون بیشتر سعی در جذب نوجوانان و جوانان شهر قزوین و نشر احکام مذهبی داشت. شرکت‌کنندگان عمدتاً از دانش‌آموزان و محصلان مدارس دولتی بودند. فعالیت کانون ابتدا مخفیانه انجام می‌شد. افرادی که در این جلسات شرکت می‌کردند، عمدتاً از جوانان کم‌سن‌وسال بودند و این موضوع بیشتر باعث حساسیت ساواک و عوامل امنیتی می‌شد.

ماهیت فعالیت‌های کانون

کانون ناشرین حق به‌مانند دیگر تشکل‌های مذهبی شهر قزوین، محفل غیررسمی و مردمی بود که جمعی از متدینین و کنشگران مذهبی برای توسعه فعالیت‌ها و تعمیق باورهای دینی به‌ویژه افراد کم‌سن‌وسال که در معرض فساد بیشتری قرار داشتند، به وجود آوردند. این کانون هم به‌مانند دیگر تشکل‌های مذهبی و سیاسی شهر قزوین با

۱. قدرت‌الله چگینی فرزند غلامرضا در ۳۰ دی ۱۳۲۶ در قزوین متولد شد. پس از تحصیلات مقدماتی به دانشگاه تهران رفت و پس از اخذ مدرک لیسانس زبان و ادبیات عربی و گذراندن دوره خدمت سربازی در سال ۱۳۵۱ به استخدام آموزش و پرورش درآمد. در جریان مبارزات انقلابی در این شهر اقدامات زیادی به‌ویژه در زمینه برگزاری جلسات و سازمان‌دهی مبارزات انجام داد. در نتیجه ساواک او و همسرش خانم زهرا بهتویی را به شهرستان الیگودرز در استان لرستان تبعید کرد. در آنجا هم به فعالیت پرداخت و به همراه همسرشان، کلاس‌های فوق‌برنامه می‌گذاشتند و در مدرسه تبلیغات فرهنگی داشتند. بعد از پیروزی انقلاب مورد سوء قصد عوامل ضدانقلاب واقع و در ۱۲ شهریور ۱۳۶۰ ترور شد (پژوهشگران معاونت پژوهش و ارتباطات فرهنگی بنیاد شهید و امور ایثارگران استان قزوین، ۱۳۹۲، ص. ۷۹؛ رشیدی مهرآبادی، ۱۳۹۶).

هدف ترویج تعالیم مذهبی، نشر احکام و اصلاح آموزش دینی به فعالیت می‌پرداخت و با توجه به اقداماتی که در عرصه سخنرانی و توزیع و تکثیر اعلامیه‌های امام خمینی داشت، به فعالیت مذهبی و نقد سیاست‌های رژیم پهلوی نیز می‌پرداخت. کانون ناشرین حق بیشتر یک محفل مذهبی به شمار می‌رفت؛ گرچه برخی چهره‌های سیاسی مانند جعفر چایچی، شاعری، جانزاده و غیره هم به آنجا رفت‌وآمد می‌کردند (شهاب‌زاده، مصاحبه شخصی، پنجشنبه ۱۶ مرداد ۱۳۹۹).

با توجه به فعالیت بهائیان در کشور و حضور آنان در عرصه‌های مختلف جامعه و حکومت (چمن‌خواه، ۱۳۹۱، ص. ۱۷۱)، گروه‌های مذهبی و متدین به شدت با آنها مخالفت کردند و انجمن‌های ضد بهایی در کشور فعال شدند. کانون ناشرین حق شهرستان قزوین یکی از این محافل و تشکل‌های ضد بهائیت بود (اصغرزاده، ۱۳۸۹، ص. ۶۲). بنابراین بعد دیگری از فعالیت‌های این کانون خنثی‌سازی فعالیت بهائیان و انتقاد از سیاست بهایی‌گرایی رژیم پهلوی بود و به‌عنوان یکی از جریان‌های ضد بهایی در شهر قزوین به فعالیت می‌پرداخت.

در این سال‌ها انجمن‌های دیگری از جمله انجمن حجّیه برای مقابله ایدئولوژیکی با محافل و تبلیغات بهائیت شکل گرفته بود. برخی از نمایندگان این انجمن در قزوین نیز فعالیت داشتند و علیه بهائیان این شهر که با تبلیغات خود در صدد نقد آموزه‌های شیعی و مراسم مذهبی و جذب افراد کم سن و سال بودند، کار می‌کردند (خاکساران، ۱۳۸۳، صص. ۴۸-۴۷). در برخی از جلسات کانون ناشرین حق، به تاریخ قوم یهود نیز پرداخته می‌شد و قدرت‌الله چگینی دربارهٔ ظلم این قوم به سخنرانی می‌پرداخت (شیرخانی، ۱۳۸۸، ص. ۹۰).

برخی از جلسات کانون مذکور، در منزل سید علی جزمه‌ای برگزار می‌شد و قدرت‌الله چگینی و محمود شریعت مهدوی در مورد اصول و روایات و احکام دینی سخنرانی می‌کردند. کانون ناشرین حق در اواخر دههٔ ۴۰ و ابتدای دههٔ ۵۰ به نقد ساختار سیاسی و مملکتی توجه می‌کرد و تحت تأثیر تعالیم دینی و باورهای مذهبی به نقد اوضاع اجتماعی جامعه می‌پرداخت. رهبران و گردانندگان این کانون در جلسات خود، دربارهٔ لزوم اتحاد مسلمانان و کمک آنها به یکدیگر بحث کرده و با انتقاد از سیاست‌های رژیم یکی از علل عقب‌ماندگی کنونی مسلمانان را کم‌توجهی به مسئله اتحاد می‌دانستند.

اطلاع‌رسانی از وضعیت مسلمانان جهان و نقش استعمار و استبداد در این روند و ظلم قوم یهود در طول تاریخ از دیگر مباحثی بود که در جلسات کانون مطرح می‌شد (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۹۳، ج ۱، صص. ۳۲۸ و ۳۴۷).

مجمع ادبی/ علمی و اسلامی جوانان قزوین

تأسیس مجمع و بنیان اصلی

از دیگر محافل و تشکل‌های سیاسی - مذهبی طرفدار نهضت اسلامی در شهر قزوین، انجمن موسوم به مجمع ادبی و اسلامی جوانان قزوین بود. این انجمن در سال‌های ۱۳۴۴ تا ۱۳۵۰ جلساتی دایر کرد. اداره مجمع در سه سال نخست بر عهده محمدحسین خاکساران بود و در ادامه عبدالله هجرتی و سید حسن حاج‌سیدجوادی معروف به دبیر مدیریت جلسات را بر عهده گرفت (نبوی، ۱۳۸۵، ص. ۱۸). انگیزه مؤسسين این مجمع از تأسیس آن شناخت اصول دینی و مبارزه با جریان‌های فکری غیر اسلامی بود. محل برگزاری جلسات این مجمع ابتدا منزل شخصی بود؛ اما با افزایش تعداد اعضا و حضور گروه‌های مختلف در آن منازل دیگر ظرفیت نداشته و به صلاحدید گردانندگان، جلسات را به مسجد ستوده منتقل کردند و دامنه فعالیت‌های مجمع نیز گسترش یافت. به گزارش ساواک قزوین هدف از تأسیس این مجمع، شناختن و شناساندن اصول و معتقدات دینی به پسران نوجوان و جوان بوده و با سایر جمعیت‌های مذهبی شهر ارتباط داشت و جلسات آن جمعه‌های هر هفته در مجلس ستوده برگزار می‌شد. هزینه گرداندن جلسات را خود اعضا پرداخت می‌کردند (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۹۳، ج ۱، صص. ۳۷۳-۳۷۱).

فعالیت‌های سیاسی و مذهبی

این مجمع نیز به مانند دیگر انجمن‌ها و تشکل‌های سیاسی - مذهبی شهر قزوین با طرح مسائل دینی و بحث درباره تاریخ صدر اسلام و ماهیت استعمار و ملل مستعمره، به‌طور ضمنی به نقد حکومت پهلوی و دفاع از نهضت اسلامی می‌پرداخت (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۹۳، ج ۱، ص. ۳۶۱). دانش‌آموزان و دانشجویان زیادی شهر به جلسات این مجمع می‌آمدند و در هر جلسه یکی از اعضا راجع به یکی از موضوعات

مذهبی سخنرانی می‌کرد. در جلسات این مجمع، موضوعات اعتقادی و مذهبی مطرح می‌شد؛ چون بیشتر شرکت‌کنندگان از قشر جوان بودند و عمدتاً گرایش‌های سیاسی داشتند (نصری، ۱۳۸۹، ص. ۴۴).

ایراد سخنرانی در موضوعات دینی مهم‌ترین شیوه کار این مجمع به شمار می‌رفت و روحانیت و واعظان را به این جلسات دعوت می‌کردند. از جمله شخصیت‌هایی که این مجمع برای سخنرانی به قزوین دعوت می‌کرد، آقایان هاشمی رفسنجانی، علی دوانی، مرتضی مطهری و باهنر بود که احمد نصری رابط آنها به شمار می‌رفت. نصری در خاطراتش می‌گوید:

در سال‌های اول دانشگاه رابطی برای دعوت چهره‌های برجسته و روحانی به قزوین بودم تا سخنرانی‌هایی را برای مردم و به‌خصوص جوانان قزوین برپا کنند. با کمک دوستان استاد مطهری، هاشمی رفسنجانی، محمد مفتاح، زین‌العابدین قربانی را دعوت کردیم. در سال‌های آغازین فعالیت مجمع هم شخصی به نام آقای لاله‌زاری که ناطق زبردستی بود، به مدت دو ماه در قزوین سخنرانی داشت و در آشنا کردن مردم و منسجم کردن نیروهای مذهبی شهر تأثیر زیادی گذاشت؛ اما بعد از دو ماه ساواک اجازه منبر رفتن به او نداد و بعدها متوجه شدیم که به پاکستان تبعید شده است (نصری، ۱۳۸۹، ص. ۴۰).

علاوه بر طرح مطالب و آموزه‌های دینی، بازخوانی تاریخ اسلام و شناسایی چهره‌ها و مفاخر این تمدن و نقد غرب‌گرایی موجود در جامعه از جمله مباحثی بود که در انجمن ادبی و اسلامی جوانان مطرح می‌گردید. در جلسات این مجمع، احمد نصری درباره مسئله فلسطین، شکل‌گیری اسرائیل، اجحاف به مسلمانان فلسطین و غضب زمین‌های آنان صحبت می‌کرد (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۹۳، ج ۱، ص. ۷۷).
نقد استعمار و طرح مسئله فلسطین و دفاع از آنان در برابر قوم یهود و برادر نامیدن مسلمانان فلسطین به معنای اتحاد مسلمین در برابر استعمار مورد توجه اعضای این مجمع سیاسی و دینی قرار داشت. کالاهای مورد نیاز مجمع هم به‌وسیله بازاریان تهیه می‌شد. این مجمع نهایتاً در سال ۱۳۵۰ تعطیل و برخی از اعضا و گردانندگان آن را به جرم ایجاد اخلال و احتمال ایجاد مزاحمت بازداشت کردند.

هیأت/انجمن دوشیزگان حضرت زینب(س)

تأسیس هیأت دوشیزگان و گرداندگان آن

در سال‌های نهضت اسلامی دهه‌های ۴۰ و ۵۰ علاوه بر مردان که با تشکیل و حضور فعال در انجمن‌ها و محافل دینی و سیاسی به چالشی برای رژیم پهلوی تبدیل شده بودند، در برخی شهرهای ایران از جمله در شهر قزوین زنان هم در واکنش به سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی رژیم، انجمن‌های متعددی دایر کردند و با نشر احکام دینی و طرح مسائلی که در سیاست‌گذاری حکومتی کمتر به آنها توجه می‌شد، به‌نوعی در حمایت از نهضت روحانیت سهم شدند. از مهم‌ترین این تشکل‌ها در شهر قزوین، هیأت یا انجمن دوشیزگان حضرت زینب(س) بود. اعضای اصلی مجمع علمی و ادبی جوانان قزوین در سال‌های ۱۳۴۶ و ۱۳۴۷ تصمیم گرفتند مشابه همین جلسه را که به دانش‌آموزان پسر اختصاص داشت، برای دختران هم دایر کنند. در نتیجه گرداندگان مجمع جوانان، هر کدام خواهرانشان را برای انجام امور و کارهای مجمع دعوت کردند؛ خانم‌ها بهتویی، شکوه‌فر و خواهر سید احمد هاشمیان، خواهر محمد حاج شفیعی‌ها و عصمت‌السادات نصری خواهر احمد نصری از جمله این افراد بودند. قدرت‌الله چگینی دانشجوی رشته زبان و ادبیات عرب دانشگاه تهران، این جلسات را اداره می‌کرد و به انجمن پیشنهاد اسم هیأت را ایشان مطرح کرد. به گزارش ساواک:

در شکل‌گیری جلسات انجمن دوشیزگان، آقایان هجرتی، جزمه‌ای و چگینی و از خانم‌ها بهتویی، نصری، حاجی نصیری که اکثراً در یک محله سکونت داشتند، سهم بودند. این انجمن با شرکت عده‌ای دوشیزگان در منزل جزمه‌ای تشکیل می‌شد تا به پرسش‌های مربوط به حد و حدود آزادی زنان پاسخ داده شود (شیرخانی، ۱۳۸۸، ص. ۷۲).

نوع فعالیت هیأت دوشیزگان

در جلسات این هیأت، مطالبات دوشیزگان متدین مطرح می‌شد. نتیجه برگزاری جلسات هیأت، این بود که حجاب در دبیرستان‌های قزوین و در میان دختران دبیرستانی جا بیفتد. این هیأت علاوه بر دختران دانش‌آموز، برای زنان خانه‌دار و بی‌سواد یا کم‌سواد هم کلاس برگزار می‌کرد (نصری، ۱۳۹۲، صص. ۳۹-۴۰). در واقع زمانی که جلسات مذهبی به رهبری

باریک‌بین^۱ و سید علی جزمه‌ای و شریعت مهدوی و قدرت‌الله چگینی و غیره، تشکیل می‌شد، نسبت به افراط در آزادی بانوان انتقاداتی به عمل آمد و جلساتی به نام انجمن دوشیزگان با شرکت دختران نوجوان و جوان در منزل جزمه‌ای تشکیل شد که آنان را از اتخاذ رویه آزادی بی‌حد بانوان بر حذر می‌داشت و به پرسش‌های مطروحه از طرف دوشیزگان بر اساس آیات و روایات پاسخ می‌داد (مرکز اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۹۶، ص. ۳۱).

جلسات انجمن دوشیزگان ابتدا به صورت هفتگی در بعدازظهر پنج‌شنبه‌ها دایر بود و با افزایش تعداد شرکت‌کنندگان، به مساجد منتقل شد. در گزارشی از ساواک آمده است هیأت زینب کبری [س] هر هفته شب‌های یکشنبه در مسجد احمدیه واقع در خیابان سپه کوچه امامزاده اسماعیل برگزار می‌شود و درباره علل پسرفت مسلمانان و نقد الگوبرداری از جامعه و فرهنگ غربی و تقلید از جهان استعمار بحث می‌شد (مرکز اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۹۳، ج ۲، ص. ۳۷۳). مولود شکوه‌فر می‌گوید:

در جلسات این هیأت هر کسی مسئول یک بخش شد؛ دخترخانم جزمه‌ای مسئول احکام، مدیریت داخلی با بنده بود و مسائل مالی هم با خانم برادران که از طریق پدرشان فراهم می‌شد. مدیریت کلی نیز بر عهده قدرت‌الله چگینی قرار داشت (شکوه‌فر، ۱۳۹۲، صص. ۱۷-۱۶).

هیأت دوشیزگان طرحی نو بود و در آن خود اعضا برنامه‌ها را اجرا می‌کردند. فاطمه یزدی می‌گوید:

در جلسات هیأت، مسائل دینی مطرح می‌شد و جذابیت جلسه بسیار بالا بود و ما متوجه شدیم وظایفمان در برابر دینمان چیست؟ چگینی نقش اصلی و پررنگی در برپایی جلسات انجمن داشت و بعد از او خانم بهتویی و شکوه‌فر بودند (یزدی، ۱۳۹۲، ص. ۳۰).

بعد از مدتی در نتیجه استقبال مردم مذهبی شهر و درخواست خانواده‌ها، جلسات این انجمن به صورت هفتگی در بعدازظهر پنج‌شنبه‌ها و کلاس جوانان در بعدازظهر جمعه‌ها برگزار می‌شد. بنابراین دختران را با توجه به سن و سالی که داشتند، تقسیم‌بندی کرده و در منازل جداگانه شرکت می‌کردند و محل برگزاری جلسات با توجه به موقعیت و

۱. برای اطلاع از حیات و اقدامات هادی باریک‌بین (ر.ک. به: آتشگران، ۱۳۹۹).

نظارت مأموران ساواک و شهربانی تغییر می کرد.

کار دیگر انجمن، کار فرهنگی بود. در کتابخانه انجمن که با همت آقایان مجد و جزمه‌ای و صبوحی از بازاریان معروف و آقای جلالیان و تأمین هزینه‌های آن، فعال شده و دارای ۱۰۰۰ جلد کتاب از جمله آثار مرتضی مطهری و شریعتی و تفسیر قرآن و غیره بود و از طریق کتاب‌خوانی، افراد بسیاری جذب شدند. خود اعضا هم اگر کتابی داشتند به انجمن آورده و بین خود توزیع می کردند تا با خلاصه کردن و مطالعه آن، زیر نظر قدرت الله چگینی و خانم بهتویی، به بقیه ارائه کنند. جلسات این انجمن را خانم‌ها اداره کردند. احکام و نهج‌البلاغه را به اعضا درس می دادند (علیجانی، ۱۳۹۲، ص. ۲۳).

بدین ترتیب، کار اصلی انجمن، تعالیم مذهبی و نشر احکام و ارزش‌های دینی به نوجوانان و بحث در امور اجتماعی و مذهبی برای بزرگسالان بود.

اجرای تئاتر و نمایشنامه از دیگر برنامه‌های انجمن بود؛ کتاب *داستان راستان* مرتضی مطهری را به شکل نمایشنامه اجرا می کردند. مسابقات داستان‌نویسی و کتاب‌خوانی نیز وجود داشت (ناظری، ۱۳۹۲، ص. ۳۲). در جلسات انجمن، سرودخوانی، شعرخوانی و حدیث‌خوانی نیز انجام می شد (مظفری، ۱۳۹۲، ص. ۳۹). بنابراین وجود دختران خردسال و دوشیزگان جوان در این جلسات و گردهمایی آنان به‌خوبی نشان‌دهنده مأموریت و رسالت این انجمن در طرح مباحث مذهبی و عقاید اسلامی است و در جریان سخنرانی‌ها، کم‌وبیش اعضا را با وضعیت موجود، تکالیف دینی، پیام نهضت اسلامی آشنا می کردند. در نتیجه رونق گرفتن کار انجمن، عوامل نفوذی ساواک جلسات این انجمن را زیر نظر گرفتند. با تبعید قدرت الله چگینی در سال ۱۳۵۲ که سازمان دهنده اصلی جلسات بود، رقیه یزدی جلسات انجمن را در منزل حاج آقای عبدالله احمدی موقر برگزار و مدیریت می کرد (یزدی، ۱۳۹۲، ص. ۳۰) و این کار تا دی‌ماه ۱۳۵۷ که انجمن تعطیل شد، ادامه پیدا کرد.

هیأت/انجمن بنی فاطمه

دیگر تشکل و انجمنی که با شرکت زنان و دوشیزگان به فعالیت پرداخت و تأسیس آن حاکی از مجاهدت و همگرایی زنان با پیام نهضت اسلامی است، هیأت/انجمن موسوم به بنی فاطمه بود که به‌خوبی نشان‌دهنده حضور و کنشگری زنان در نهضت اسلامی است.

درباره ماهیت و انگیزه تأسیس و نوع فعالیت این انجمن، گزارشی از ساواک در دست است که موارد سیزده گانه‌ای در این باره مطرح و به آن پاسخ داده است. طبق مندرجات این گزارش هدف از تشکیل هیأت، ترویج مسائل مذهبی و کسب شهرت در بین مردم جهت دین‌داری اعلام شده است. اسامی گردانندگان اصلی این هیأت عبارت بودند از: از اسدالله ربانی (پزشکیار)، ابوالفضل ثقفی (مداح)، حسین اویسی (مفسر) و محمد وحیدیان خرازی (قاری قرآن). اعضا و مؤسسان هیأت با کانون ناشرین حق ارتباط داشتند. برای تأمین هزینه‌ها، هر عضو در ماه مبلغ ۲۰ ریال به صندوق هیأت می‌پرداخت. محل تشکیل جلسات در خانه اعضا و مساجد بود (مرکز اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۹۳، ج ۱، ص. ۳۲).

دیگر مکانی که جلسات هیأت مذکور در آن برگزار می‌شد، مسجد آقا میرعبدالصمد واقع در انتهای خیابان مولوی بود (آرشیو اسناد حوزه هنری استان قزوین، ۱۳۴۹/۱۰/۱۳، س. ش ۲۳/۲۶۶۴). محل برگزاری جلسات این انجمن بعد از افزایش تعداد اعضا و شرکت کنندگان، آرامگاه امامزاده حلیمه خاتون بود که در شب‌های شبانه گرد هم می‌آمدند. در این جلسات زنان حضور پررنگی داشتند (توکلی، ۱۳۹۸).

نتیجه‌گیری

در روند پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مدیریت مبارزات در بسیاری از شهرها با شکل‌گیری و فعالیت تشکلهای و انجمن‌های مردمی و کنشگری نخبگان سیاسی و مذهبی صورت گرفت. شهر قزوین هم از این قاعده مستثنا نبود و در سال‌های نهضت اسلامی انجمن‌های متعددی همچون هیأت متوسلین به طفلان مسلم یا جوانان متوسل به طفلان مسلم، هیأت انتقاد (جلسات انتقاد)، هیأت فیض‌بخش جوانان حسینی قزوین، کانون ناشرین حق و مجمع ادبی/علمی و اسلامی جوانان قزوین که عمدتاً مردان در آن شرکت می‌کردند و هیأت/انجمن دوشیزگان حضرت زینب^(س) و هیأت/انجمن بنی فاطمه با حضور زنان به نشر احکام مذهبی و فعالیت فرهنگی می‌پرداخت. این محافل غیررسمی و مردمی در واقع پل ارتباطی اقشار مختلف مردم و حلقه وصل آنها با نهضت روحانیت و رهبر فکری آن بودند.

در جلسات مختلف این انجمن‌ها، احکام دینی و اصول اعتقادی و تاریخ تحولات اسلام و وضعیت تاریخی و کنونی مسلمانان مطرح می‌شد و در برخی جلسات آن، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم، پاره‌ای از سیاست‌ها و برنامه‌های حکومت پهلوی در نزدیکی به استعمارگران و بی‌توجهی به مسلمانان جهان مورد انتقاد قرار می‌گرفت. در این انجمن‌ها با دعوت از واعظان سایر شهرها، آخرین وضعیت نهضت اسلامی به اطلاع اعضا می‌رسید. بررسی تاریخ و فعالیت هر یک از این تشکل‌ها و آشنایی با مؤسسان و گردانندگان و اعضای حاضر در جلسات آن نشان می‌دهد که مردم و به‌ویژه قشر جوان این شهر با حضور در جلسات هیأت‌ها، به چالش دیگری برای حکومت تبدیل شده بودند. تبلیغات مذهبی و نشر احکام دینی در بیشتر جلسات این هیأت‌ها در کنار فعالیت سیاسی برخی از گردانندگان هیأت‌ها و انجمن‌های مذکور، زمینه‌ای فراهم کرد که در سال‌های واپسین حکومت پهلوی جمعیت بیشتری از مردم این شهر به جرگه طرفداران نهضت اسلامی پیوندند و با فرایند انقلاب همراهی و همگرایی بیشتری نشان دهند. نکته قابل ذکر دیگر این است که تعدد و تکثر نهادها و انجمن‌های مذهبی در شهر کوچکی همچون قزوین تا حدی گویای صبغه مذهبی این شهر و نارضایتی موجود از حکومت پهلوی است.

منابع

- آتشگران، مسعود (۱۳۹۹). *سلوکی در پروا: گذری بر حیات سیاسی و اجتماعی آیت‌الله حاج شیخ هادی باریک‌بین*، تهران: سوره مهر.
- *آرشیو اسناد حوزه هنری استان قزوین*، ۱۳۵۰/۱۱/۲۶ ش. س ۱-۹۲۰۰۴، ۱۳۵۰/۹/۱۵؛ ش. س ۲۳/۳۶۵۰، ۱۳۴۹/۱۲/۲، ۱۰۱۶؛ ۱۳۴۹/۱۰/۱۳، ش. س ۲۳/۲۶۶۴.
- آقاعلیخانی، حسین (۱۳۹۱). *خاطرات*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- اصغرزاده، حسن (۱۳۸۹). *پیروزی انقلاب کار خدا بود (گفتگو)*. سوره، ویژه‌نامه انقلاب اسلامی، ۲.
- باروتی، محمدیوسف (۱۳۹۲). *زندانی سیاسی رژیم ستم‌شاهی تا ایمان دارم می‌ایستم (گفتگو)*. سوره، ویژه‌نامه انقلاب اسلامی، ۴.
- پایگاه خبری-تحلیلی معبر نور قابل دسترسی در: <http://mabarenoor.ir/memoirs/117>

- پژوهشگران معاونت پژوهش و ارتباطات فرهنگی بنیاد شهید و امور ایثارگران استان قزوین (۱۳۹۲). فرهنگ اعلام شهدای قزوین. تهران: نشر شاهد.
- جلالیان، محمد تقی (۱۳۸۹). کتابفروش قبل از انقلاب (گفتگو). سوره، ویژهنامه انقلاب اسلامی، ۲.
- چمن خواه، لیلا (۱۳۹۱). بهائیت و رژیم پهلوی. تهران: نگاه معاصر.
- خاکساران، محمدحسن (۱۳۸۳). خاطرات، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- رشوند، حسین (۱۳۸۹). ما تابع ولایت فقیه هستیم (گفتگو)، سوره، ویژهنامه انقلاب اسلامی، ۲.
- رشیدی مهرآبادی، میثم (۱۳۹۶). خیابان تبریز: گذری بر زندگی و زمانه معلم شهید، قدرت الله، قم: نشر مجنون.
- شریفی، روح الله (۱۳۹۵). شیخ نصرت: زندگی و مبارزه شهید نصرت الله انصاری، تهران: سوره مهر.
- شکوه فر، مولود (۱۳۹۲). سوره (گفتگو)، ویژهنامه انقلاب اسلامی، ۴.
- شیرخانی، علی (۱۳۸۸). انقلاب اسلامی در قزوین. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- علیجانی، بتول (۱۳۹۲). سوره (گفتگو)، ویژهنامه انقلاب اسلامی، ۴.
- کامروا، مهران (۱۳۹۸). انقلاب ایران: ریشه‌های ناآرامی و شورش. ترجمه مصطفی مهرآئین، تهران: نشر کرگدن.
- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات (۱۳۹۵). مساجد استان قزوین به روایت اسناد ساواک. تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات (۱۳۹۳). انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک: استان قزوین. تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات (۱۳۹۶). ایران امام به روایت اسناد ساواک: آیت الله هادی باریک بین به روایت اسناد ساواک. تهران: مرکز اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
- مظفری سکینه و مرضیه مظفری (۱۳۹۲). سوره (گفتگو)، ویژهنامه انقلاب اسلامی، ۴.
- ناظری، مهین (۱۳۹۲). سوره (گفتگو)، ویژهنامه انقلاب اسلامی، ۴.
- نبوی، مرتضی (۱۳۸۵). خاطرات. به کوشش جواد کاموربخشایش، تهران: سوره مهر.
- نصری، احمد (۱۳۹۲). خاطرات. به کوشش ندا خجسته‌نژاد و قاسم یاحسینی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

- نصری، احمد (۱۳۸۹). با به دست آوردن یک رساله وارد نهضت شدم (گفتگو). سوره، ویژه‌نامه انقلاب اسلامی، ۲.
- یزدی، فاطمه و رقیه یزدی (۱۳۹۲). سوره (گفتگو)، ویژه‌نامه انقلاب اسلامی، ۴.